صلی الله علی محمد اشرف الاناس والانام وسلم علی جمیع اولاده واصحابه افضل
الخواص والعوام وسلم علی بن اوسی باالتحیة والسلام اعنی علی ارکان الشریعة الی
یوم القیام بعد از ادای توحید ومراسم تمهید چنین گوید مولف این مجموعه اضعف
عباد الله تعالی واحوجهم الی رحمته علی حمزه بن علی ملک بن حسن الطوسی
المنسوب الی احمد بن محمد البجلی الهاشمی المروزی المولد الاسفراینی المجتهد یعرف
باذری غفر الله تعالی ذنبه ولجمیع المومنین که کتاب مفاتیح الاسرار که در شهور سنه ۹۳۰
ثلثین وثمانمایه نوشته بود در حین رجوع از سفر مبارک من جانب الشام
مشتمل بر ابواب اربعه یعنی معرفت فواتح کلام الله تعالی شانه ومشکلات
احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم وبیان رموزات کلام مشایخ رضوان الله علیهم
اجمعین وتبیین کلام متعلق شعرای اسلام ادام الله برکات معانیهم ودر نوبت
کرت ثانیه هم احرام حرم محترم بسته از جانب هند مبشر گشت لحمد لله علی التوفیق
بدار الملک احمد شاه غازی آن کتاب از جهت کثرت اعزه آن دار العباد
در معرض التماس افتاد بعد از رجوع الی الوطن وارتجالی عنان از سفر عرب وغنیمت
برکات مناسک حرم در ایام فراغت عزیمت کرده شد که آن کتاب ناگزیر را
دستوری وسوادی گرفته شود تا غواصی دریای بحار حقایق ودامن از لالی معرفت
لآلی ودرر آن محروم نمانند وآثار آن در عجم معدوم ومندرس نگردد
وداعیه دیگر در استکتاب معارف آن کتاب هر دستور فواید این فصول وابواب
آن بود که از ذله وذخایر این سفر بابرکت آنچ غنیمت یافته درین دستور درج
کرده آید چون تواریخ مشایخ ومولد ومدفن ونسبت خرقهای ایشان ومعارف آن

درحین

در حین استکتاب طریق اختصار مرعی داشته اطناب و ترادف را خرج کرده شده
و سبب ورود کتاب و تعداد اسامی کتب منقول عنها و اکثر فصول مقدمه را
با سرار فصول کتاب تخفیف کرده آمد و چون این دستور صورت انتخاب
مفتاح الاسرار بود او را جواهر الاسرار نام نهاده شد و چون در اصول معرفت
او ترتیبی که موجب تغییر اصل وضع کتاب باشد نرفت خطبه کتاب را نیز تغییر
داده نشد والله المستعان علی ذلک وهذا الاستکتاب فی تواریخ اوایل رجب
المرجب بعد الرجوع من السفر الحرب سنه اربعین وثمانمائه اکنون بدانکه این
کتاب مشتمل است بر اکثر لطایف شریفه و ظرایف محیط است بر اغلب مسایل
لطیفه سوالف که در مرور [?] ازمان گوهری بدست غواص روزگار افتاده و ناسفته
در درج طبع ابنای دهر و تا بعد قرن دایر و سرگردان می ماند جمله را بالماس طبع
سفته در سلک انتظام منخرط گردانیده و در یک رشته کشیده تا قلاده معرفت
ارباب طلب را انجمنی و حمایل دانش اصحاب شرف را از آن ترصیعی باشد
و عرایس ابکار که در حجرات ضمایر از کیای دوران مستور و محجوب ماند مجموع را
در دار العصمه نکته بالنکاح سنتی جمع آورده تا در جلوه گاه نظارگیان تنظر علیکم
بالوجوه الحسان بحکم تزوجوا النکاح ابنا دهر را از تو اصل و تزویج آن صورت
تناسل حاصل آید چنانکه گفته اند گر او نبودی که سر زلف ربودی ∴ رخساره
معشوق بعاشق که نمودی ∴ اکنون توقع از کرم کرام آنست که تالیف و ورود و تعریف
او لفظا و معنی چون بر عثرتی عثور یابند ذیل عفو بر عیوب او داشته
ترجیح و همت بر اصلاح آن گماشته دارند که در بحر لؤلؤ صدف نیز هست

وهو کاره حتی یبایعوه بین الرکن والمقام فیخرج الیه جیش من الشام حتی اذا کانوا بالبیداء
خسف بهم فیاتیه عصایب العراق وابدال الشام الی آخر الحدیث و یستخرج الکنوز چنانچه
در اربعین ابو العلا حسن بن العطار المذکور آمده است که یستخرج الکنوز و یفتح مداین
الشرک و یقسم الاموال و بروایت اهل بیت در فصل الخطاب آورده است در صفت
مهدی که یحکم بالعدل و یامر به یخرج من تهامه اما آنچه در اربعین مذکور است خروج از قریه
کدعه باشد بقول النبی صلی الله علیه و سلم یخرج المهدی من قریه یقال لها کدعه و یصدقه
الله تعالی و یجمع الله تعالی له من اقصی البلاد و علی عدة اهل بدر بثلاثمایة
و ثلاث عشر رجلا و معه صحیفة مختومه فیها عدد اصحابه باسمائهم و بلادهم و خلالهم
لم علم اذا جاء وقت خروجه انتشر ذلک العلم و انطق الله عز و جل فناداه العلم
اخرج یا ولی الله و له سیف مغمد فاذا جاء وقت خروجه اقتلع ذلک السیف من غمده
وانطقه الله عز و جل فناداه السیف اخرج یا ولی الله فیخرج و یقیم حدود الله و یحکم
بحکم الله عز و جل جبرئیل علیه السلام عن یمینه و میکائیل علیه السلام عن یساره طوبی
لمن لقیه و طوبی لمن احبه و طوبی لمن قال به و در حدیثی دیگر وارد است در صفت
امت قال النبی صلی الله علیه و سلم ما بال امة انا اولهم و عیسی و المهدی آخرهم
و ازین انواع احادیث از رسول و ایمه رضی الله عنهم بسیار است که آوردن ان
طولی دارد خصوصا در کتاب مهدی و اعلام الوری اما آنچه از علامات او از کتاب
مهدی علامات او از کتاب مهدی علامتی چند ذکر کرده شود اول آنست که نفس
زکیه کشته شود نام او محمد بن حسن عسکری باشد یعنی از فرزندان او باشد و بر دست
سفیانی کشته شود و علامت دیگر خروج سفیانیست علامات دیگر کسوف

بیان حجر اسود و مقام ابراهیم
احق حج

ثم

شمس است در رجب و پنجم رمضان و خسوف قمر در آخر علامتی دیگر غارت کردن حاجیان
بمنابر علامتی دیگر آن باشد که در وقت ظهور جبرئیل بیاید و یکپای بر کعبه نهد و یکپای
بر بیت المقدس و ندا کند چنانکه همه خلایق بشنوند اتی امر الله فلا تستعجلوه و آن آیت
که در کتاب الله یوم یسمعون الصیحة بالحق ذلک یوم الخروج ای خروج القایم و آن در
رمضان باشد در اول روز که خبر دهد بخروج مهدی و در آخر روز ابلیس آواز آید
که حق تعالی در فلان غیبه است و او مردی ابلج روی اعور باشد در یک چشم
او نشانی سفید باشد تا خلق در گمان افتد و گفته اند در زمان او گرانی باشد که در سخن
گفتن دست راست بر ران چپ زند در اربعین مذکور است که قال النبی صلی الله علیه
المهدی رجل ولدی وجهه کالکوکب الدری در حدیثی دیگر از اربعین مذکور در صفت او آمده است
که المهدی رجل من ولدی لونه لون عربی و جسمه اسرائیلی علی خده الایمن خال کالکوکب
و قال صلی الله علیه و سلم المهدی منا اجلی الجبین اقنی الانف و فی حدیث اخر
اشم الانف یعنی بلندبینی و گفته اند که او مردی دو برخه باشد بهمین نشانه که موی وار جانب
خراسان خروج کند با رایت و سپاه و جوانان با او بسیار بیعت کنند و موافق این روایت
حدیثی که از ثوبان در اربعین مذکور است که اذا رایتم الرایات السود قد اقبلت من
خراسان فاتوها و لو حبوا علی الثلج فان فیها خلیفة الله المهدی یعنی بزانو اما
در باب معرفت مهدی این همه روایات مختلفه و صفات متعدده و تواریخ غیر موافق
که از ایمه و مشایخ رضوان الله علیهم اجمعین مرویست موصوف آن مجرد عنه لازم
نیست که شخصی واحد باشد بلکه یعنی از مشایخ خود غلط واقع میشود که مظهری
که به بعضی اوصاف موصوف باشد غیر آن مظهر جامع که خاتم ولایت عام است

بر انسان مکشوف کرده و از این جهت او عجایب بسیار واقع گشته و اما در خبر و کشف آمده که منشاء
غلط اخبار روایت اخبار بتحقیق آن یا از جهت اخفای خبر و غرض آنست یا از جهت
تعدد خبر چه لفظ مهدی از آن عامتر است که بر شخص واحد دون دیگری اطلاق
کنند بلکه بر چندین از مشایخ ائمه اطلاق کرده اند چنانکه از نبی صلی الله علیه و سلم در خبر
آمده است در کتاب مهدی که احمد بن عبدالعزیز باسناد از ابوذر روایت میکند
که از اختلافات که بعد از زمان خلق در آخر پیدا شود اختلاف مهدی باشد آن چند
عدد باشد اول را عیسی نام باشد دوم را خروج حسنی باشد و قایم در پیش رایت او شیخ
همه بصره و کوفه و بغداد و اهواز و فارس و خراسان گیرد و کوفه را بغایت آباد
کند که خوابگاه گوسفندی بهزار درم شود و قایم حج شود و بمدینه بگذرد و چون بکوفه
باز آید وفات یابد به پهلوی قبر امیرالمؤمنین دفن کرده شود و مردی از اهل بیت خلیفه
او شود و مدت ملک او چهار سال و شش ماه باشد و اول مهدی باشد که از میان
اهل بیت بیرون آید ابوذر گفت پس از آن چه باشد گفت بعد از وی مهدی دیگر باشد که
امر معروف و نهی منکر کند و قسمت بسویت کند و با رعیت مدارا کند و جامه او درشت
پوشد و طعام ناخوش خورد و بر اسب ابیض و خر نشیند و با دوستان خدای نرم باشد
و با دشمنان سخت اقتدا بخاتم کند و از او را دو در گذرد و نام او عیسی باشد و خلافت او
یازده سال باشد و بمکه میان دیر عمون دیر را ابطح در احسد ام برد و او را در برابر کعبه
دفن کنند و آن روز که او بمیرد خورشید بگیرد و ده روز گرفته بماند چنانکه ستاره پدید
آید ابوذر گفت یا رسول الله پس از آن چه باشد گفت پس از آن مهدی دیگر باشد هم از
فرزندان او نام او احمد که بر طریقت پدر بود و پس از وی سلیمان باشد پس از وی علی بن سلیمان

و پس ازو محمد ابن علی پس ازو حسن بن محمد و پس ازو ابراهیم بن محمد و پس ازو
محمد ابن عبد الله که مهدی است و اهل حروف میگویند که مهدی کلام است
و مفردات کلام حروف تهجی است که در ذات خود کل مجموع احدیت که این دوده
و سیاهی و نقطه علم و نشانی اوست. چه هر صفتی که در یک کلمه موجود است
درهمست نه دیگر موجود است مثلا لفظ ا غیر مرئیست ب نیز غیر مرئیست و
چنانکه ا مظهر خیر و شر است ب نیز مظهر خیر و شر است و چنانکه ا قسمت
پذیر نیست ب نیز قسمت پذیر نیست و چنانکه ا ازلی و ابدی است ب
نیز ازلی و ابدی است غرض آنکه هر صفتی که در ا موجود است در جمیع
حروف موجودات موجود است پس انسان در ذات خود یک کلمه باشند
که هوا دو حروف و نقطه علم ایشان است یا در کتب از همه جدا
باشند و ممتاز کردند پس نقطه قایم مقام بیست و هشت و بیست
هشت قایم مقام یک نقطه باشد و چون جاهلان بسر نقطه رسیدند
در مقام تفرقه افتادند و از کثرت بوحدت راه نبردند اینست
معنی العلم نقطه مثلا نقطه اول کاتب از خط قایم مقام لفظ
آخرین است و این نقطه لوح محفوظ است و عیسی علیه السلام گفت
که اول چیزی که از آسمان آمد سخن بود و من آن سخنم و سخن
قایم بذات و خدا با آدم سخن گفت و من آن سخنم که خدا با همه
انبیا گفت و در انجیل آمده است که جان پاک و روح پاک در شکم
مریم آمد و گوشتمند شد چون در دنیا آمد بیان کرد که من روح

خدایم و حکیم خدایم هر کس نظر کرد در پدر من نظر کرد و در تورات آمده است
که حق تعالی گفت که من میخواستم شخصی بیافرینم بشکل خود و ماهیت خود که یاد و شنا
مرغان هوا و ماهیان دریا باشد آدم را بیافریدم و همه اسماء تعلیم
کردم که مسیح گفت که من اسماء آدم و اول که بیامدم تمام اسما بر زبان جاری
شد یعنی بیست و هشت حرف مفردات کلام این بار بیاوردم و آنچه بر فرود اشارت و
کنایت کننده بودم همه را بیان کنم پس هر گاه که او کلام باشد در همه
اشیا ظاهر شده باشد و او در ذات خود یک باشد ناچار همه این اعتقاد
او داشته باشند و انبیا علیهم السلام گفته اند که هر گاه که عیسی بیاید همه مردم
یک دین و یک اعتقاد گردند و شرک برخیزد و کفر در مذهب نماند همه دینها
و زبانهای مختلف یکی شود چنانکه در کتاب قطروس که کتاب کاتب الوحی
عیسی است آمده که مسیح گفت من با همه اشیا ام و بی همه اشیا ام طول و عرض
و عمق بر من روا نیست یعنی سخن خدام قوله تعالی وکلمته القیها الی مریم و هر که
بمعرفت عیسی بدین نوع رسید و جمیع اشیا برو ناطق باشند و او با همه اشیا است
این است کلام اهل حروف که تقریر کرده شد و از سخن شیخ سعد الدین نیز فهم
میشود و از اینجا که عیسی و مهدی در معنی یکی اند چه بعضی که مراد او از آن مهدی است
و بعضی گویند جان عیسی است و چون مهدی قایم مقام عیسی است در زمین و چون
عیسی نزول کند مهدی قایم مقام او بر آسمان رود و سعی حامل اسرار عیسی باشد
و تحقیق این مقام طولی دارد و حالا باشارتی اکتفا باید کرد اینست چنانکه از حضرت
امام بحق ناطق جعفر صادق رضه و در فصل الخطاب روایت میکند انه قال تعالی اثنا

عرش

عشر مهدیا مضی سنته و تبی سنته و یبعث الله عز و جل فی السادس ما احب پس هر که
موصوف باشد بصفت نبوت مهدی باشد تا آنزمانکه بر خاتم ولایت عامه ختم گردد
اما توفیق میان این دو حدیث که لا مهدی الا عیسی ابن مریم و المهدی من عترتی
من اولاد فاطمه و در اربعین مذکور است که علیه السلام بفاطمه رضی الله عنها المهدی
من ولدی چنانکه در حدیثی دیگر آمده است قال النبی علیه السلام بطول الله عز و جل
ذالک الیوم حتی یبعث رجلا من ولدی اسمه اسمی فقام سلمان رضی الله عنه فقال یا رسول الله
من ای ولدک هو قال من ولدی هذا بید علی الحسین رضی الله عنه اشکال دارد و
می نماید که مراد نبی صلی الله علیه و آله و سلم ازین حدیث که لا مهدی الا عیسی بن مریم
مهدی اکمل باشد کقوله لا صلوة فی جوار المسجد الا فی المسجد کاملة والسلام علی اهل التوفیق
ان الله خلق آدم علی صورته اشکال این حدیث در آنست که مرجع الیه ضمیر متعدد و مشکوک
فیه است که اگر ضمیر را عاید بالله میداری اطلاق صورت که از خواص اجسام است بر حضرت
باری از دین شرع خطاست و اگر ضمیر راجع بآدم داری که اولیست باید که مبنی بر
فایده باشد بدانکه در ارجاع ضمیر صورت و معنی دو فریق اند و باب التاویل مفتوح
علی الفریقین ارباب معنی ضمیر را راجع بالله میدارند و اصحاب صورت عاید بآدم
میشناسند و علی ای التقدیرین معنی لفظ صورت است می آرند اول آخر را
بیان کنیم تا آخر حقیقت مذهب اول باز نمائیم اعتقاد فرقه آنست
که ضمیر صورت راجع بآدم است که اولیست اما فایده جز نیکو نیند که موقوفست
بر سبب ورود حدیث و این است که امام فخر الدین رازی رحمه الله میگوید
میان ایشان حبشی معروف شده بود که هر گاه از کسی عصیانی صادر میشد

سرّ حادیث مشکل

وکثرة اکل اللحم والمجارة علی القصاد والاکل فی القدر واکل خبز حار والنظر آینه ابحام واکل خانح ومحمض

واکل کزیرة الرطب وشرب سور الخارة والبول فی طریق الجادة والبول فی الحمام ودخول بغیر الازار

والقواة فی الحمام ومسح السراویل علی الوجه اذا خرج من الحمام والتمشیط بمشط غیره والنظر علی الذکر

بغیر علة ونظر الرجل فی فرج امراته فی حالة الجماع الحایض وطرح القمل والمشی بین الاریاح

والمشی بین قطار الابل ووضع المندیل والسراویل تحت الراس وقت النوم اما اسبابی که سبب

تفریح وتهییج دماغ گردد بعد از ابطال ابت طباع باز گذاشته ما مول بعض سبب الاسباب آ

ومقام از آن مستغنی است *بیت* گفت حکیمی که مفرح بود ٭ روی خوش وطن خوش و بوستان

هست ولیکن بنود نزد عقل ٭ هیچ مفرح چو رخ دوستان ٭ اکنون کتاب بر جمع معمای حقایق زا انجام

رسید چنانکه گوید *بیت* تا قیامت گر بگویم زین کلام ٭ صد قیامت بگذرد وین ناتمام ٭ حالا اسرار

واشکال آنچه اظهر واشهر بود علی طریق اجتهاد بقدر الطاقة والامکان درین کتاب نوشته شد

ومسایل باقیه را حواله بنافته عمر کرده آمد که حل مسئله مشکله را حل در پیش است سهل علینا علی

جمیع المومنین حله اذا حال علینا وهو اشکال الاشکال کما قال ابن سینا *بیت*

از جرم گل سیاه تا اوج زحل ٭ کردم همه مشکلات گیتی را حل ٭ هر بند که بسته بود از مکر و حیل

آن بند گشاده شد مگر بند اجل ٭ الحمد لله اجلا واعلا اجلا سبحان الله اولا واخرا والصلوة

والسلام علی الانبیاء اولا وباطنا خصوصا علی افضل الانبیاء اعنی محمد مصطفی صلوات الله

والرحمن علیه وعلی آله واصحابه وعلی تابعیه والمومنین یوم الجزاء وفرغت من تحریر کتاب جواهر الاسرار

بتایید الملک الغفار من تالیف صاحب قران وخاتم الکلام فی آخر الزمان العارف المحقق والعالم

المدقق شیخ جلال الملة والدین بعرف شیخ آذری قدس الله تعالی

سر ایزد جل اله تمت تمام شد کتاب جواهر الاسرار بکرم عز و جل